

همه می‌رفتند و موضوعات مرتبط با کار، مسائل شخصی و شرایط روحی فرد را بررسی می‌کردند. شهید فخری زاده به دنبال این بود که مشکلات افراد با حضور روان شناس و مشاوران علوم مربوط حل و فصل شده و سطح تحمل افراد افزایش پیدا کند. کار سخت بود و شهید این را به خوبی حس می‌کردند و سعی داشتند با انجام چنین اقداماتی، فضا را تلطیف کنند. البته انجام این دست کارها جزو وظایف سازمانی ایشان نبود بلکه توجه به این موارد از ویژگی‌های این شهید بود.

خلق و خوی شهید

خلق و خوی شهید فخری زاده در بحث مردم‌داری هم بسیار مثال‌زدنی بود. مجموعه پشتیبانی تشکیلات تحت مدیریت ایشان مکلف بودند در زمان‌های مناسب برای مدیران تحت امر شهید فخری زاده امکانات تفریحی نظیر مسافرت، دید و بازدید از اماکن خاص و گردهمایی خانوادگی فراهم کنند. ایشان شرایطی را ایجاد کرده بودند تا افراد شاخص و مجریان پروژه‌ها که فکر می‌کردند کار آنها را خسته می‌کند و باید استراحتی کنند را نوبتی و در زمان‌های مناسب مثل ایام نوروز و تعطیلات به مسافرت می‌فرستادند و در مجموع خیلی دقت می‌کردند تا نیروی انسانی که برای ایشان کار می‌کنند و سرمایه اصلی سازمان هستند از شرایط خوبی برخوردار باشند. سعی می‌کردند در قبال کار، نیروهایی که از دانشگاه‌های دیگر به خدمت گرفته می‌شوند، پرداختی مناسبی داشته باشند.

کار فی سبیل!...

هزارگاهی در برخی از جمع‌ها که یکی از همکاران می‌گفتند کار باید فی سبیل!... باشد، شهید می‌گفت کار فی سبیل!... به معنای کار مجانی نیست. کار فی سبیل!... یعنی کار و پرداخت باید خوب باشد. معنی کار فی سبیل!... ارزان حساب کردن و مجانی بودن آن نیست. وقتی از این زوایا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شهید بسیار مردم‌دار بودند و سعی می‌کردند نیروهای خود را راضی نگه دارند و آنها را تشویق کنند. البته باز هم تکرار می‌کنم در جاهایی هم که لازم بود که تنبیه و توبیخ انجام شود، تعارف نداشتند و اگر کاری خوب انجام نشده بود عتاب و خطاب را به عنوان یک مدیر عالی داشتند و به همین خاطر بود که زیرمجموعه ایشان از این نظر بسیار از شهید حساب می‌بردند و توجه داشتند تا کاری نکنند که شهید فخری زاده از آنها بابت کار نکرده، به تأخیر انداختن کار یا بد انجام دادن کار ناراحت شوند. لذا همه مجموعه سعی می‌کردند کار خود را به نحو احسن انجام دهند. به دلیل سابقه طولانی همکاری، بعد از

سال‌های اول که آشنا شدیم، با یکدیگر رفت‌وآمد خانوادگی هم داشتیم. من شاهد بودم که ایشان با همسر و فرزندان شان کریمانه برخورد می‌کردند و فقط به این موضوع بسنده می‌کنم که ایشان به ویژه در این سال‌های آخر در جلساتی که موضوع طبقه‌بندی در آن مطرح نبود و عمومی تر تلقی می‌شد همسرشان را به جلسات جمعی می‌آوردند. یکی از موضوعاتی که اینجا نوشتم تا فراموش نکنم، علاقه بسیار زیاد شهید فخری زاده به فلسفه بود که در ادامه به صورت مشروح به آن می‌پردازم و حالا که بحث حضور همسر شهید مطرح شد، یادم افتاد یکی از جلساتی که همسر شهید فخری زاده در آن شرکت می‌کردند مربوط به نشست‌هایی بود که ما بحث فلسفه علم را دنبال می‌کردیم.

توجه به خانواده



شهید بسیار مردم‌دار بودند و سعی می‌کردند نیروهای خود را راضی نگه دارند و آنها را تشویق کنند. البته باز هم تکرار می‌کنم در جاهایی هم که لازم بود که تنبیه و توبیخ انجام شود، تعارف نداشتند و اگر کاری خوب انجام نشده بود عتاب و خطاب را به عنوان یک مدیر عالی داشتند

این جلسات عمومی بود، طبقه‌بندی نداشت و ایشان با همسرشان در این جلسات حضور داشتند. با وجودی که به کار عشق می‌ورزیدند و به آن متعهد بودند اما خانواده را به هیچ وجه فراموش نمی‌کردند. مثلاً اگر همسر ایشان ساعت ۷ بعد از ظهر تنها بود یا کسی همراه ایشان نبود، شهید مایل نبودند تا خانم خود را تنها بگذارند و به همین دلیل می‌گفتند من تا ۷ بیشتر نیستم و جلسات را بر این اساس تنظیم کنید. ساعت خاصی را مشخص می‌کردند و می‌گفتند از این ساعت به بعد برای خانواده است و اگر از ایشان درخواست جلسه می‌کردیم، می‌گفتند این ساعت در اختیار خانواده هستم و باید به آنها برسم. به هر حال ارتباطات ایشان با خانواده و دوستان بسیار صمیمانه و محترمانه بود و در این خصوص بسیار نکته‌سنج بودند تا به هر یک از اینها به سهم خودشان بپردازد.

عشق به شهادت

عشق به شهادت یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی شهید فخری زاده بود که خیلی کوتاه به آن اشاره می‌کنم. اگر اتاق کار شهید را دیده باشید، متوجه این حس می‌شوید. شهید فخری زاده علاقه زیادی به ادبیات فارسی داشتند و اهل مطالعه ادبیات بودند و مشخصاً اشعار حافظ، سعدی و مولوی را می‌خواندند و اشعار این